

## عربستان سعودی آبستن حوادث خونین.....

در بُعد خارجی:

رژیم وهابی عربستان سعودی، با پیروی از سیاست های غرب به رهبری ایالات متحده امریکا و قرار گرفتن در خدمت منافع آن کشور از یکسو و با سرمایه گذاریهای عظیم روی ترویج و گسترش وهابیت در سراسر جهان و حمایت همه جانبه از حرکات و جنبشهای افراطی سلفی مانند گروه القاعده، طالبان، جبهه النصره، بوکوحرام، الشباب، سپاه صحابه، لشکر طیبیه، جمعیت التبلیغ، داعش و امثالهم در کشورهای مختلف اسلامی مانند پاکستان، سوریه، عراق، لبنان، یمن، سومالی، نیجریا، افغانستان، بنگله دیش و غیره، خودش را موازی با معضلات درونی، به مشکلات، مخاطرات و دردهای تازه خارجی نیز دست و گریبان نموده است. این مخاطرات سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک، بخصوص در قبال بلند پروازیهای اخیر آل سعود، مداخلات سیاسی، اطلاعاتی و نظامی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و از جمله، بحرین و همسایه شمالی اش یمن بیشتر به ملاحظه میرسد. پس از مرگ ملک عبدالله که بتاريخ 23 ماه جنوری 2015م صورت گرفت و سلمان بجایش نشست، حرکات و اقدامات افراطگرایانه سلفیسم، تکریم بیشتر از

بقیای آل شیخ و عملیات نظامی علیه همسایه های عربستان سعودی، بویژه علیه یمن افزایش یافته است.

بخصوص، ظهور داعش یا " دولت اسلامی عراق و شام " که با هسته گذاری و حمایت خاص آل سعود در سوریه و عراق صورت گرفت و موجب ریختن خونهای زیاد و ویرانگری های وسیع در هردو کشور گردیده و هنوز هم ممالک مختلف اسلامی را تهدید میکند، نماد منفور دیگری شد مبنی بر دست بازیها، مداخلات و اشغالگریهای رژیم مذکور علیه جان و مال میلیونها انسان و منافع ملی ممالک خاورمیانه. ظهور داعش نه تنها مایه نگرانی شدید رژیم ها و ملت های مسلمان و غیرمسلمان در منطقه و جهان گردید، بلکه اسباب دلهره و نگرانیهای فکری- سیاسی در درون جامعه سعودی را نیز بار آورده است. برخی از مقام های رژیم وهابی عربستان سعودی درک کرده اند که داعش، موضع همان گروه وهابی افراطی را دارد که اعمال و سیاست های آل سعود را بر نمی تابد و نهایتاً با طرح تأسیس خلافت اسلامی، در تضاد و تقابل با رژیم قرار میگیرد. سلفیسم آل سعود مردم و سرزمین زیبای لبنان، یوگوسلاویای سابق، چین، مصر و بنگله دیش را نیز بی اثر نگذاشته است.

مقام های سعودی در اواخر دهه پنجاه سده گذشته، تعدادی از طلبای آموزش دیده و دستوری را که مجهز با افکار و اندیشه های وهابی (سلفی) بودند، روانه لبنان نمودند تا لانه های تبلیغات و هابیگری را در آن سرزمین ایجاد کنند که کردند. یکی از این " طلبای " مراکز اسلامی عربستان سعودی، " شیخ سالم الشهال " بود که توانست تعداد زیادی از جوانان را مغزشویی نموده جمعیتی را بنام " نواه الجیش اسلامی " به دور خویش گرد آورد. طلبه دیگری که پسانها بنام " شیخ عبدالرزاق الزغبی " یاد شد، گروهک " فتح الاسلام " و " جنبش توحید اسلامی " را با همراهی گروه های سنی دیگر در لبنان بنیان گذاشت و حتا تحریکات نظامی و تروریستی را در آنجا به راه انداخت. که بخشی از

ترورها و انفجارهای خونین علیه کلیساها و مؤسسات خارجی در سالهای ماضی، حاصل کار آنها بود.

همین وهابی ها بودند که با تشکیل " جبهه نجات اسلامی " در الجزایر و به راه اندازی جنگهای تعصب آمیز مذهبی در چند سال گذشته، به تعداد بیشتر از یکصد هزار انسان بیگناه آن کشور را به قتل رسا نیدند و حتا کودکان معصوم را حلق آویز نمودند و رسم (تکفیر) را به اوجش رسا نیدند.

حتا در فرانسه، این کشور پیشرفته اروپایی نیز در اواسط سال 1980 میلادی، انجمن اسلامی نوع وهابی توسط یکی از شیوخ سلفی بنام " شیخ فیصل " یا به اصطلاح مرشد دینی ایجاد گردید که به تبلیغ و ترویج وهابیت در میان جوانان مسلمان مهاجر و دانشجویان کشورهای اسلامی و در مسجد " عمر " و مسجد مشهور استالینگراد پرداخت. این شیخ وهابی، زنان و دوشیزه گان مسلمان در فرانسه را به گزینش نقاب و مردان را به گذاشتن ریش های انبوه و پوشیدن دامن های دراز تشویق مینمود. چنانکه در اسناد و گزارشهای مربوط آمده است، " شیخ فیصل " مقدار هفده اعشاریه چهل و شش میلیون فرانک فرانسوی از منابع عربستان سعودی بدست آورده است .

این تنها نبود. " شیخ فیصل " در سال 1984 میلادی، انجمن دیگری را انیز بنام " اتحادیه انجمن اسلامی " در فرانسه تأسیس نمود که یکتعداد مسلمانان ترکی و عربی را در آن گرد آورد و به تدریس و آموزشهای اخوانیت بین المللی و سلفیسم سعودی و افکار تکفیری پرداخت. گفته شده که مقام های فرانسوی، هیچ نوع اقدام باز دارنده یی در برابر چنین فعالیتهای مذهبی افراطگرایانه انجام ندادند.

" سمیرامگار " یک محقق جامعه شناس فرانسوی، باکار و تحقیق چندین ساله پیرامون سلفیسم در فرانسه، تعداد مسلمانان مقیم فرانسه را (5000000)، تعداد مساجد فرقه سلفی - وهابی در آن کشور را پنجاه محراب و تعداد سلفی های مقیم آنجا را

(12000) نفر ثبت نموده است. باید افزود که سکونت گزینی مسلمانان در خاکِ فرانسه (بعنوان مهاجر)، در جریانِ قرن هجدهم و پس از اشغالِ نظامی الجزایر توسط نیرو های فرانسوی صورت گرفت و سپس، اتباع کشورهای مراکش، تونس و برخی از ممالک افریقای غربی نیز بر آن افزوده گشت.

و اما، "جمال خشوجی" یک مفسرِ نامدارِ عربستان سعودی، برای حامیانِ عربستانی گروه داعش هشدار داده میگوید: " جوانانِ عصبانی وجود دارند که ذهنیت و درک آنها از زنده گی و شریعتِ اسلامی منحرف بوده و میراثِ چندین قرن و دستاورد های مدرنیزه سازی عربستان را که کامل نشده است، زیر پا میگذارند. آنها تبدیل به شورشی، امیر و خلیفه ای شدند که ممکن است به مناطق وسیعی از سر زمین ها حمله کنند..."

همین مفسرِ عربستانی علاوه نمود که: " با نگاهی به سه تا چهار هزار شبه نظامی عربستانی {کسانی که در صفوفِ داعش می جنگند} در میان نیرو های داعش توصیه میکند { ایجاب میکند} که برای توضیح خیزشِ داعش، باید به داخل عربستان نگاه کنیم.

"

در داخلِ قلمرو عربستان سعودی اما مخالفتهایی علیه افکارِ افراطی و خشونت بارِ وهابیت وجود دارد. علاوه از شهروندانی که از ناحیهٔ سختگیریها، عقبگردها و مجازات های ضد انسانی وهابیت رنج میبرند و با آن درتخالفِ مخفی و علنی قرار دارند، علمای دینی و مذهبی اهل تشیع و اهل تسنن نیز اختلافاتِ شان با این مذهبِ خشن را پنهان نمیکنند. مثلاً، " محمد بن علوی مالکی " یکی از علمای سنی عربستان بود که در تشکیلاتِ مسجدالحرام، موضوعاتِ فقه و تاریخ و حدیث را تدریس مینمود و مخالفتش با وهابیسیم یا سلفیسیم را با نگارشِ آثار چاپی و استدلالِ عالمانه به راه انداخت. وی در جایی از کتابش نوشت: " ما با کسانی مبتلا شده ایم که در توزیع { توضیح } کفر و شرک و صادر کردن

احکام با القاب و اوصاف غیر صحیح تخصص دارند، اوصافی که لایق مسلمان شهادت دهنده به توحید و نبوت پیامبر اسلام نیست..."

شاید آل سعود و مسوولین شبکه استخبارات آن کشور ( المخابرات العامه ) در آغازین پروژه داعش تصور نمی کردند که این مولود استعماری شان، بسیار زود به هیولای هفت سر و لگام گسیخته مبدل خواهد شد که حتا خانه و بقای اربابش را هم تهدید مینماید.

سیاست مداخله گرانه و تجاوزکارانه آل سعود بالای کشورهای اسلامی در خاورمیانه، همسویی تنگاتنگ با سیاستها و اشغالگریهای امریکا، دشمنی با روسیه، ایران، یمن، سوریه، مصر و غیره و نیز صدور سرسام آور و هابیت در ممالک اسلامی تا اقصا نقاط جهان، با عیاشی ها، بیعدالتی ها، فشارها و تعصبات شدید مذهبی در داخل عربستان، دست با دست هم داده بنیاد آل سعود و دستگاه ستمزای حاکمیت سیاسی - مذهبی آنها را در هر قدم تهدید میکند.

آل سعود البته با توافق و تباری با ابرقدرت امریکا و انگلیس، نه تنها در روند سقوط رژیم ملی گرای جمال ناصر، تحركات سوسیالیستی در منطقه، دولت یعنی صدام حسین و اشغال نظامی آن کشور توسط نیروهای امریکایی نقش بازی نمود، بلکه در ایجاد گروه ها و تشکلات تروریستی نوع وهابی و داعشی در منطقه نیز دست بکار شد. چنانکه تنها در خاک عراق پس از سال 2001 میلادی، برای آنکه بتواند از یکطرف علیه رژیم " نوری مالکی " صدراعظم شیعه مذهب عراق مقابله کند و از سوی دیگر از نفوذ فکری - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری نماید، گروه ها و سازمانهای آتی تروریستی را ایجاد نمود:

سازمان قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین به رهبری ابومصعب زرقاوی

ارتش انصار السنه به رهبری محمد الجحشی

ارتش اسلامی عراق

حزب التحریر

جیش الطائفه المنصوره به رهبری ابو عمر انصاری

گروه یاران اهل سنت

سپاه عمر به رهبری جمال التکریتی یا ( ابومسلم)

گروه الانصار

جیش محمد

گروه ابو ایمن

گردان زبیر بن عوام

گردان حسن بصری به رهبری ابو حذیفه عراقی و ده ها گروه مسلح تروریستی دیگر.

بهمین بنیاد است که امروز ملاحظه میشود گروه داعش، چگونه از میان آن همه دار و دسته تروریستی ساخت کارخانه و هابیت آل سعود و حامیان بزرگ بین المللی آن در قلمرو سوریه و عراق ظهور نموده آب و خاک آنجا را با خون و خشم و خاکستر آلوده ساخت و اینک، بیرق قیرگون آن متأسفانه تا کوهپایه های شمال و جنوب افغانستان نیز به نمایش گذاشته میشود.

داعشی های وهابی، موازی با سایر اعمال تکان دهنده غیر انسانی شان، بخصوص در عراق و سوریه، در برابر دگراندیشان و یا پیروان سایر مذاهب با صراحت اعلام کردند که هرگاه مسلمان {طبعاً وهابی} نمیشوند، باید شرایط آتی را بپذیرند :

\*جزیه پردازند

\* ذبح شوند

\* از خانه و کاشانه شان اخراج گردند

\* و یا یکی از فرماندهان گروه تروریستی داعش برای مدت یک هفته با همسران {زنان} شان هم خوابه شوند.

گروه مذکور همچنان، شنیدن آواز و موسیقی، خرید و فروش آلات موسیقی، استعمال سگرت، عروسی و پایکوبی، عکس برداری، رسامی، استفاده از تلفون موبایل و همچنان تدریس مضامین تاریخی، فلسفی، ورزشی، جامعه شناسی و روان شناسی در مکاتب تحت تصرف شان را ممنوع اعلام نمودند. به زنان دستور صادر کردند تا از روبند و دستکش استفاده بعمل آورند. همچنان زنان نمیتوانند بدون " محرم شرعی" از منزل خارج شوند. زنان نمیتوانند هنگام شب به خیابانها ظاهر شوند. زنان نمیتوانند روی چوکی {کرسی} بنشینند. آرایشگاه های مردانه باید بسته شوند و امثالهم.

تکفیری های داعشی با الگو برداری کامل از رهبر شان (محمد بن عبدالوهاب) و حکمرانان آل سعودی، اقدامات شان را تا بدانجا کشانیدند که در مناطق تحت تصرف خویش، غارت اموال مردم، سربریدن ماموران دولتی و سواستفاده جنسی از زنان آنها را حلال اعلام کردند. فلم ها یا " ویدوکلیپ " های مستند زیادی از طریق رسانه های جهان و نشریه های انترنتی پخش گردیدند که نشان دهنده سربریدن ها، شلیک کردن ها، مثله کردنها، قطع دست و پا و تیرباران دستجمعی و دهشتناک افراد و کتله های وسیع انسانها در سرزمین عراق و شام و مناطق کردستان بودند. همچنان فلم های مستند مبنی بر تخریب آثار باستانی چندین هزار ساله و اماکن مقدس توسط داعشی های نقاب پوش و سلاح بدوش در سرزمین های مذکور در معرض تماشای مردم جهان قرار داده شد.

گزارشهایی نیز به نشر رسیدند که نشاندهنده اعدام بیرحمانه آن عده از نوجوانان مناطق تحت تصرف داعشی ها بود که گفته شد تنها به تماشای بازی فوتبال پرداخته بودند.

گرچه نشان دادن تعدد شیوخ و بزرگان وهابی که مورد احترام پیروان این مذهب قرار داشته فتوا های دور از عقل و منطق بشری را وقتاً فوقتاً صادر مینمایند، ترتیب فهرست طویلی را ایجاب میکند، مگر باز هم اسامی یکتعداد از آنها را در اینجا درج میکنیم تا مشتئی باشد از خروار:

محمد بن علی شوکاتی

محمد العریفی

عبدالمحسن عبیکان

محمد الزغبی

احمد ابو یوسف

دعی عبدالله

عیسی بن صالح

جاسم السعیدی

شیخ ابن جبرین

صالح الفوزان

عزت عطیه

عبدالله الخجدی



ابو محمد بر بهاری

ابن بطه

ابن قیم

ناصر العمر

خباب مروان المحدث

شیخ ابن جبرین

جاسم السعیدی

عیسی ابن صالح

شیخ احمد ابویوسف

شیخ جمال قطب

شیخ عبدالمحسن عبیکان

محمد ناصر الدین البانی

ناصر العمر

محمد سالم الخضر

عادل الکلبانی

اسحاق دبیری

صالح بن فوزان

عثمان الخمیس

عبدالله بن جبرین

یوسف القرضاوی

عنان العرور

شیخ عبدالله بن محمد الغنیمان

شیخ ناصر بن سلیمان العمر

شیخ عبدالعزیز بن عبدالله الراجحی

شیخ احمد الغامدی

عبدالرحمن بن ناصر بن براك بن ابراهیم

شیخ محمد ابن اسماعیل صنعانی

شیوخ و هابی (سلفی) که کارخانه فتوا سازی را در اختیار دارند، دارای تشکیلات و

سلسله مراتبی هم هستند و بدین قرار :

1- سربازان ساده

2- فعالان محلی

3- شیخ های بالا نشین

چند اداره مخصوص که دارای اختیارات زیاد میباشند نیز در چار چوب تشکیلات آنها

وجود دارد، مانند :

1- اداره هیأت البحوث والدعوه و الارشاد (هیأت الدعوه) مستقر در شهر ریاض

پایتخت عربستان سعودی

2- جمعیت احیاء التراث یا ( جبهه ) مستقر در کویت

3- اداره رابطه العالم الاسلامی مستقر در شهر مکه

4- خانواده آل سعود که در رأس همه این افراد و تشکلات قرار دارد.

همچنان بر اساس آمارى که تا کنون به نشر رسیده اند، مقام های عربستان سعودی، بیش از شش هزار مرکز و مؤسسه مذهبی، تدریسی و تبلیغی را در هشتاد کشور اسلامی و غیراسلامی غرض انتشار هرچه بیشتر اندیشه های افراطی و هابیت تأسیس نموده و همه آنها را تمویل مالی میکند. این مراکز به اصطلاح اسلامی، شامل مدارس مذهبی، دانشگاه ها، نهاد های انشتراتی، شبکه های تلویزیونی، چاپخانه ها، مکاتب و حتا احزاب سیاسی میشوند که عمده ترین آنها در خاک پاکستان و در بناگوش افغانستان موقعیت دارند.